

خبرایات

دسته سیسیلی ها و... اکران



جواد طوسی

● آنچه درباره تولیدات داخلی در شرایط نابرابر کنونی اهمیت باز دارد، «عدالت فرهنگی» است. فیلمی که همه مراحل قانونی ساخت و تولید را طی کرده و اتفاقا مضمون و دست‌مایه و ساختار قابل قبولی دارد و مخاطبانش را جدی می‌گیرد و به شعور او توهین نمی‌کند، چرا باید جدا از نمایش عمومی دیر هنگام، در میان فیلم‌های دیگری که از شرایط به‌مراتب بهتر اکران (اعم از سرگروه و تعداد سالن‌ها و سانس‌ها) برخوردارند، گم شود؟ خسرو معصومی فیلم‌ساز قابل احترام و صاحب عقیده‌ای است که به‌جز یک مورد (پر پرزوار) در دیگر آثارش همواره به اصول و چارچوب مشخصی که هم زبان سینما در آن رعایت شده و هم مضامین‌شان با بافت اقلیمی منطقه‌ای مورد‌نظر او و طبقه‌بندی اجتماعی معاصر و روان‌شناسی آدم‌ها هم‌خوانی داشته، پایبند بوده است. «دوران سربی» و سه‌گانه «رسم عاشق‌کشی»، «جایی در دوردست» و «باد در علفزار می‌پیچد» و «خرس» از نظر استفاده درست و غیرتوریستی از فضا و مفاهیم اقلیمی و مناسبات فردی و اجتماعی آدم‌ها در کانون خشونت و نبود عدالت اجتماعی، جزء آثار شاخص کارنامه سینمایی او هستند. ولی متأسفانه می‌بینیم فیلم‌سازی با این دیدگاه و انضباط فکری و دغدغه‌های اجتماعی هنوز بعد از ۳۳ سال فعالیت مستمر حرفه‌ای نتوانسته جایگاه روش و تثبیت‌شده‌های در سینمای بی‌ضابطه ما پیدا کند و فیلم «خرس» او همچنان (باوجود گذشت هفت سال از زمان ساختش) توقیف و امکان نمایش عمومی پیدا نکرده است.



«کار کثیف» به عنوان آخرین فیلم خسرو معصومی که در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، از هفته گذشته اکران شده است. ولی متأسفانه با وجود برخی ارزش‌های محتوایی و فرمالیستی‌اش، فروش خوبی تاکنون نداشته که یکی از علل اصلی را در محدودیت سالن‌ها و تک‌سانسی‌بودن سینماهای نمایش‌دهنده باید دید. در چنین اوضاع و احوالی که سینمادار خودش می‌پرد و می‌دورزد و سانس‌ها را به فراخور میزان فروش فیلم‌ها و اشتها بازیگرانش و قالب بیانی‌اش (اعم از کم‌دی و...) کم و زیاد می‌کند، فیلم‌هایی در مایه‌های «کار کثیف» که وجوه فرهنگی‌شان غالب است به شکل بی‌رحمانه‌ای از نظر اقتصادی لطمه می‌بینند. آیا در یک عرصه و تقاضای متعادل و عادلانه نباید شرایط مناسب اکران برای این‌گونه فیلم‌ها فراهم و حتی سوبسید فرهنگی برای‌شان منظور شود؟ به همین لحاظ، به عنوان یک رسالت فرهنگی وظیفه خود می‌دانم که از این فیلم مهجورمانده حمایت و دیدنش را به علاقه‌مندان جدی سینما توصیه کنم. این در حالی است که فیلم «کار کثیف» قصه‌اش را بدون اعمال شاقه بیان می‌کند، همچنین بحران اجتماعی و ناهنجاری اقتصادی را عامل آسیب‌پذیری کانون خانواده و ندادن به مهاجرت‌های بی‌پشتوانه می‌داند و نیز چند بازی خوب و چشمگیر از پدram شریفی و مرحوم لئون هفتون در آن می‌بینیم.

خبر

آخرین قیمت بلیت سینماها

● گروه هنر: شورای اکران در جلسه اخیرش مقرر کرد به منظور حمایت از مخاطبان سینما و اجرای طرح تابستانی از سوی شورای اکران، قیمت بلیت سینماها هر روز در سراسر کشور تا ساعت ۱۵ نیم‌بها شود. شورای اکران با تأیید مصوبه شورای صنفی نمایش فیلم، مبنی بر حذف نیم‌بها بودن بلیت سینما در روزهای شنبه، اعلام کرد: سینماهای سراسر کشور می‌توانند علاوه بر نیم‌بها بودن قیمت بلیت در روزهای سه‌شنبه، دو سانس اول خود را تا قبل از ساعت شروع سانس ۱۵ با هماهنگی دفتر پخش، فیلم مورد نظر خود را به صورت نیم‌بها اکران کنند. بر اساس این طرح که از اول مردادماه سال جاری لازم‌الاجرا خواهد بود، طبق فروس برخط به محض ترائکش، سهم صاحبان سینما و پخش‌کننده فیلم‌ها مشخص و توزیع خواهد شد. به منظور هماهنگی بیشتر در نحوه محاسبه و پرداخت مالیات بر ارزش افزوده فیلم و سینما مقرر شد انجمن سینماداران و شورای صنفی نمایش فیلم، نشستی را درباره نحوه عملیاتی‌کردن اجارسر بلیت قانونی به عمل آورند. در این جلسه قیمت اصلاح‌شده سینماها بر اساس درجه سینما (مدرن، ممتاز و درجه یک و دو) با احتساب ارزش افزوده مشخص و از سوی شورا تأیید شد که با توجه به تأیید این مصوبه از سوی ریاست سازمان سینمایی، از اول مردادماه لازم‌الاجرا خواهد بود.

سه هنرمندی که واژه «صاحب‌نام» برازنده هرکدامشان است، سابقه‌ای درخشان در طول سال‌های گذشته در موسیقی ایران دارند و بارها در صحنه‌های مختلف خوش درخشیده‌اند. پیمان یزدانیان آهنگ‌سازی است که برای سینمای ایران خاطره‌های موسیقایی زیادی به یادگار گذاشته و در کنار آن پیوسته در مقام آهنگ‌ساز و نوازنده آزاد فعالیت داشته. کنسرت برگزار کرده و آلبوم منتشر کرده است. رضا عسگرزاده از بهترین و قدیمی‌ترین دودوگ‌نوازان ایران است که در زمینه صدابرداری موسیقی هم ید طولایی دارد. حسام اینانلو هم سال‌هاست که راه خودش را در کمانچه‌نوازی رفته و فعالیت‌های داخلی و خارجی متعددی در این زمینه داشته و دارد. حالا این سه هنرمند که بارها به صورت دوفتره کنار هم روی صحنه حاضر شده‌اند، تصمیم گرفته‌اند که برای اولین بار به صورت سه‌تایی به دیدار مخاطبانشان بروند. حتما مخاطبانی که تا پیش از این از شنوندگان آلبوم «رام» که با نوازندگی و آهنگ‌سازی یزدانیان- اینانلو بود، نغمات و کنسرت‌های این آلبوم را به یاد دارند. رضا عسگرزاده و حسام اینانلو نیز حدود دو سال است که با یکدیگر هم‌نوازی می‌کنند و اجرای این دو در جشنواره موسیقی فجر سال ۹۷ نیز با اقبال مخاطبان همراه بود. ۲۲ و ۳۰ تیرماه فرهنگ‌سرای نیاوران میزبان آنهاست که به همین بهانه به گفت‌وگو با آنها نشسته‌ایم.

❧ تا به حال کنسرت‌های متعددی این تیم به صورت دونوازی برگزار کرده که به انتشار آلبوم هم رسیده اما سه‌نوازی نداشته‌اید. این بار چه اتفاقی افتاد که تصمیم به برگزاری تریو گرفتید؟ اینانلو: ما پیش از این در مجموعه کنسرت‌ها و فعالیت‌هایی که با هم داشتیم هرکدام شناختی از موسیقی و نوع تفکر دیگری پیدا کردیم. چند ماه گذشته بود که خیلی اتفاقی انگار زمان آن رسیده بود که دوتن‌ها را تبدیل به یک تریو کنیم که از دید من بسیار اتفاق خوشایندی است. یزدانیان: به صورت کامل‌ا تصادفی ولی تقریباً هم‌زمان به این تصمیم رسیدیم و قطعا به واسطه شناختی که هر یک از ما از دو نفر دیگر داشت به سهولت این انسجام شکل گرفت. قطعا تریو با دوتنی که قبلاً تجربه کرده بودیم تفاوت داشت ولی در کل گردهم آمدن و با هم و همدل نواختن تجربه شیرینی است که باعث شده با وجود مشغله‌های شخصی بسیار ما هفته‌ای سه، چهار روز با هم تمرین کنیم.

❧ شالوده اصلی این اثر حول محور چه ایده‌ای می‌چرخد؟

اینانلو: شالوده اصلی این اجرا از نگاه من بداهه‌نوازی است. ما در واقع در تمرینات‌مان به فضای مشترک می‌رسیم و در اجرا با استقبال از حال آن لحظه موسیقی‌مان را روایت می‌کنیم. در اصل

گفت‌وگو با پیمان یزدانیان، حسام اینانلو و رضا عسگرزاده در آستانه کنسرتشان

روایت یک حال شخصی دلچسب



می‌شود گفت ما تمرین بداهه‌نوازی می‌کنیم و یکی از این تمرین‌ها را روی صحنه می‌بریم.

یزدانیان: برای این سه‌نوازی بداهه، به فرازهای ثابت مشترکی نیاز داشتیم تا از آن به عنوان

ایستگاه‌های موسیقایی استفاده کرده و در بین آنها به صورت آزاد و بداهه به فضاسازی با گسترش ایده‌های شخصی بپردازیم. نکته دیگر گوش‌افرادان و فضادادن به دو ساز دیگر در مجموعه صداهاست که از بیان شخصی مهم‌تر، پخته‌تر و زیاتر است.

❧ هر سه شما به نوعی متعلق به جریان مستقل موسیقی ایران هستید. طبیعی است که حرکت‌نکردن در جریان

اصلی مرتب‌ها و آسیب‌های خودش را دارد. شما این فرایند را چطور می‌بینید؟

اینانلو: من فکر می‌کنم جریان اصلی و فرعی در موسیقی وجود ندارد؛ دست‌کم در نگاه من. آنچه من را سر شوق می‌آورد تا کار کنم خودم خود موسیقی است. جریان غالب را مارکت و سرمایه‌گذاران می‌سازند که من از طرح‌واره فکری این مارکت

هنر

صدابرداری موسیقی در ایران این روزها را چطور می‌بینید؟ زمان کنسرت‌ها که خودتان روی صحنه هستید، اوضاع صدا را چطور کنترل می‌کنید؟

عسگرزاده: حرفه‌ای‌تر که البته ترکیب غریبی است، اما خب این روزها جوان‌های مستعد زیادی را می‌بینم که مشغول فعالیت در حوزه صدابرداری هستند. دغدغه اصلی خیلی‌هایشان تولید صدای خوب است و خیلی‌های دیگر انجام وظیفه می‌کنند. بنابراین نمی‌توان گفت اوضاع به‌تر یا بدتر شده است. گاهی آدم خوشحال می‌شود و گاهی افسوس می‌خورد که چرا بهتر از این نیست. اما زمانی که من روی صحنه و به‌عنوان نوازنده هستم، باید بگویم که احتیاج چندانی به صدابرداری نیست. صدای طبیعی سالن و موسیقی کافی است، اما در مورد آتهایی که به صدابرداری نیاز است، من خودم با کمک چند همکار کار صدا را برعهده می‌گیرم. بعد آن همکاران عزیز تلاش می‌کنند که به شیوه من کار را جلو ببرند. می‌ماند بخش میکس صدا که دیگر من در آن موقعیت ناچار از واگذاری‌اش به آن دوستان هستم. اما رنگ صدا درمی‌آید.

❧ آقای یزدانیان، شما موزیسین کلاسیک هستید. دوست دارم بدانم آن خط‌کشی‌های موسیقی کلاسیک در چنین کنسرتی چطور در دنیای موسیقی شما به هم می‌ریزد؟

یزدانیان: من حتی به‌عنوان موزیسین کلاسیک هم در کار خط‌کشی خاصی ندارم و به آزادی عمل می‌کنم. تنها تفاوت در چنین آنسامبلی امکانات خارق‌العاده و بی‌شماری است که ترکیبات مختلف رنگی و صدایی‌سازها به وجود آورده و شیوه بیان و درک فضای جدید بداهه را گسترش می‌دهد.

❧ شما هر سه به نوعی از هنرمندان هرمس اینانلو: به گمان من هنرمند هرمس یا هنرمند جای دیگر عبارت زیبایی نیست. هنرمند در اصل مستقل است. البته با هرمس کارکردن خوشایند من است، اما استقلالم را دوست دارم. اما این ماجرای نشر به صورت قدیمی‌تر در همه‌جای دنیا در حال رخ‌دادن است؛ یعنی نقش‌س‌دی از بین می‌رود. اما موسیقی باز هم تولید می‌شود. حال با نحوه تازه‌ای از ارائه.

عسگرزاده: من هم مثل آقای اینانلو لازم است بگویم که متعلق به هیچ نشری نیستم. از قضای روزگار در بسیاری از مواقع سلیقه مشترک آن ناشر به همراه سلیقه مشترک هنرمند باعث می‌شود که در کنار هم کاری را انجام دهیم، اما اینکه بگویم من یا هر هنرمند دیگری احتیاج به تعلق با ارتباط مستقیم به یک نشر داشته باشیم را فراموش کنید. ضمن اینکه تولید موسیقی در همه‌جای دنیا در حال تغییرشکل است و سی‌دی به زودی از بین خواهد رفت. طبیعی است که هر ناشری اگر بخواهد راهش را ادامه بدهد باید سوار این جریان نو شود.

❧ آقای عسگرزاده، شما سال‌هاست در زمینه صدابرداری موسیقی فعالیت می‌کنید. الان چندسالی است که به نظر می‌رسد صدابرداری موسیقی حرفه‌ای‌تر از قبل انجام می‌شود. شما



ناراحتی تنفسی و تنگی نفس حاصل از کهولت سن چندروزی است در بیمارستان بستری شده و درحال حاضر به تشخیص پزشک ممنوع‌الملاقات است.»

اواظهار کرد: «البته شرایط جسمانی استاد نسبت به چند روز گذشته و از زمانی که در بیمارستان بستری شد، بهتر و رو به بهبود است.»

عظیمی تأکید کرد: «ما در انتظار هستیم که ممنوع‌الملاقات‌بودن استاد به پایان برسد و بتوانیم از ایشان عیادت کنیم.»

نگاهی به فیلم مستند «میدان جوانان سابق» ساخته مینا اکبری

سبکی تحمل‌ناپذیر

کمال پورکاوه

تلخ همان جوان‌هایی است که سیلی سخت و هولناک واقعیت، با ممانعت از فعالیتشان آنان را از میان یک قاب دلپذیر عکس دسته‌جمعی از میدانی کوچک در حوالی خیابان میرداماد به گوشه‌گوشه دنیا پرتاب کرد تا هر یک از آنها مسیری

را در پیش گیرند که حتی در بحرانی‌ترین شرایط زیستی‌شان نیز آن را تصور نمی‌کردند. باور کوچ تلخ ماشاءالله شمس‌الواعظین به‌عنوان تأثیرگذارترین سردبیر روزنامه‌های اصلاح‌طلب دهه ۷۰ از هیاهوی پرچنب‌وجوش تحریریه روزنامه، به یک بیابان پرت و دورافتاده و انتخابی اجباری که سردبیر سابق را به یک کشاورز بی‌نام‌ونشان تبدیل کرده، معنایی جز بی‌ثمری نمی‌تواند داشته

زیردرختان زیتون

مهین عظیمی درگذشت



● گروه هنر: مهین عظیمی، هنرمند پیش‌کسوت نقاش عصر روز سه‌شنبه ۱۸ تیر ماه پس از تحمل دوره‌ای بیماری درگذشت. کلبگر برزین، فرزند زنده‌یاد مهین عظیمی در گفت‌وگو با ایسنا این خبر را تأیید کرده است. او همچنین اظهار کرد که پیکر زنده‌یاد عظیمی امروز در کنار همسرش و در مقابل قطعه نام‌آوران به خاک سپرده می‌شود. مهین عظیمی متولد آذر ۱۳۰۸ دوازدهمین زن دانشجوی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و لیسانس نقاشی دارد. او همچنین تاکنون نمایشگاه‌های مختلف انفرادی و گروهی در ایران و کشورهای مانند بلژیک، فرانسه، یوگسلاوی و ترکیه برپا کرده است. او در سال ۱۳۴۸ نقاشی پشت شیشه را شروع کرد. ابتدا با رنگ روغن معمولی کار می‌کرد اما بعدها توجهش به اکریلیک جلب شد. عظیمی معتقد بود: «نقاشی باید در زمان خودش و به شکل تازه ارائه شود. نقاش باید نقاش زمانه خودش باشد و فقط ایده و گوشه‌ای از سبک‌های قدیمی را بگیرد.»

پس از گذشت ۱۷ سال «حسین زمان» کنسرت می‌دهد



● گروه هنر: حسین زمان پس از ۱۷ سال دوری از صحنه، کنسرتی را در برج میلاد تهران برگزار می‌کند. به گزارش روابط‌عمومی این اجرا، حسین زمان در این کنسرت با همراهی ارکستری ۳۰ نفره در رهبری صابر جعفری روی صحنه خواهد رفت و گلچینی از قطعات گذشته خود را به همراه چند قطعه جدید اجرا می‌کند.

در این برنامه نوازندگانی مانند بابک ریاحی‌پور، حسن فراهانی و حسین شریفی که سابقه همکاری با حسین زمان را داشتند نیز حضور خواهند داشت. کنسرت «حسین زمان» سوم مردادماه سال جاری در مرکزمایش‌های برج میلاد برگزار خواهد شد.

مستندی به کارگران شهرداری تقدیم می‌شود

● گروه هنر: پوستر فیلم سینمایی «نگاه خیره» به نویسندگی و کارگردانی فرزاد خوشدست در آستانه برگزاری هفتمین جشنواره فیلم شهر رونمایی شد.

پوستر فیلم «نگاه خیره» که برای نخستین بار در بخش فیلم‌های بلند داستانی (ویدهونی) هفتمین جشنواره فیلم شهر اکران می‌شود را نادیا آقاییگی طراحی کرده؛ هنرمندی که پیش از این نیز پوستر فیلم «خط باریک قرمز» را برای همین کارگردان طراحی کرده بود. فرزاد خوشدست با مستندهای اجتماعی‌اش و بیشتر با کارهایی که در زندان‌های ایران تولید کرده شناخته شده است. این بار و پس از کسب جایزه بهترین فیلم بخش نئپک جشنواره جهانی فیلم فجر برای فیلم «خط باریک قرمز» در



این فیلم سعی کرده از زاویه‌ای متفاوت فقر و مشکلات اقتصادی را که گریبانگیر مردم در این شرایط اقتصادی است، به تصویر بکشد. این فیلم از منظر دیگر به زندگی فردی می‌پردازد که در یکی از مراکز خدماتی شهرداری تهران مشغول به جمع‌آوری سگ‌های ولگرد است. فردی که به ناچار مجبور به مهاجرت به تهران شده و حالا با مشکلاتی بزرگ‌تر در این کلان‌شهر رویه‌رو می‌شود. خوشدست که قرار است فیلم بلند داستانی «نگاه خیره» را به کارگران شهرداری تقدیم کند، در نخستین اکران فیلم جدیدش در پردیس سینمایی ملت، میزبان بخشی از کارگران شهرداری ایران است که شغل آنها جمع‌آوری سگ‌های ولگرد تهران است. این کارگران و خانواده‌هایشان، تعدادی از مدیران شهرداری تهران و بعضی از سازمان‌های حمایت از حقوق حیوانات از تماشاگران ویژه این اکران خواهند بود.